



I.I.E.S

ژئوپلیتیک گاز شیل در اروپا: جنگ سرد جدید با روسیه

مصاحبه:

شماره ۱

مصاحبه با آویزر تاکر

(معاون موسسه انرژی دانشگاه تگزاس)

یاشیما سحرانوی از مرکز تحلیلی NATURAL GAS EUROPE

مترجم: محمد صادق جوکار

تهران - خیابان ولیعصر - روبروی پارک ملت -

خیابان سایه - پلاک ۶۵

تلفن: ۲۷۶۴۴۳۲۹ صندوق پستی: ۴۷۵۷-۱۹۳۹۵

آدرس اینترنتی:

Energydiplomacy.iies.ac.ir

ژئوپلیتیک گاز شیل در اروپا: جنگ سرد جدید با روسیه

مصاحبه با آویزر تاکر (Aviezer Tucker)

ترجمه: محمد صادق جوکار

مقدمه:

دکتر آویزر تاکر معاون موسسه انرژی در دانشگاه تگزاس بوده و مطالعات زیادی در خصوص موضوعات مرتبط با انرژی در اروپای مرکزی و شرقی داشته است. وی اخیراً با نگارش مقاله ای در روزنامه «واشنگتن



پست» بیان کرده است که: «روسیه به گسترش نگرانی های زیست محیطی ناشی از توسعه گاز شیل در اروپا به منظور عدم توسعه آن و سلطه بر بازار انرژی این قاره دامن می زند.» خبرنگار سایت تحلیلی Natural Gas Europe - یاشیما سحرانوی - مصاحبه ای با ایشان با عنوان «جنگ سرد جدید بر سر گاز شیل» ترتیب داده است که سایت دیپلماسی انرژی نظر به اهمیت توسعه این منابع و تاثیر آن بر بازار بین المللی انرژی و نیز تحلیل موانع و مشکلات توسعه این منابع، به ترجمه و انتشار آن اقدام می کند.

سوال ۱: شما اخیراً در مقاله ای در روزنامه واشنگتن پست (۲۰۱۲/۷/۱۳) توسعه «گاز شیل» را به عنوان «جنگ سرد جدید» معرفی کرده اید. چرا شما توسعه گازهای نامتعارف را در اروپا چنین می بینید؟ آیا منظور شما از «ما» در پاراگراف اول، ایالات متحده می باشد؟ اگر جواب مثبت است، نقش این کشور در این «جنگ سرد جدید» چیست؟ پاراگراف اول مقاله شما این بود: «ما بلغارستان را از دست دادیم، احتمالاً بزودی چک را نیز از دست می دهیم اما ما اکراین را بدست آوردیم. اهستان همیشه در کنا رما خواهد بود، فرانسه به صورت قطعی و همیشگی با ما نخواهد بود اما بریتانیا با ایالات متحده خواهد بود. کشورهای بالتیک اگر منابع انرژی داشته باشند، علاقمندند که به ما بپیوندند. پیکار سختی بر روی رومانی جریان خواهد داشت.»

پاسخ: من بین جنگ سرد گذشته با چالش جاری بر روی توسعه منابع گاز شیل در اروپا چندین وجه اشتراک می بینم؛

الف) به طور مشخص در هر دو مورد تعارض بین ایالات متحده و روسیه است. ایالات متحده در صدد است تا استقلال و امنیت انرژی ملل اروپا را ارتقاء دهد در حالیکه روسیه خواستار حفظ انحصار موجود در تامین

عرضه گاز طبیعی اروپای شرقی و مرکزی و وابستگی اقتصادی منتج از آن به خود است. این کشور همچنین به دلیل اینکه تنها و بزرگترین عرضه کننده انرژی این منطقه است، خواستار حفظ قیمت بالای گاز در اروپا می باشد.

ب) هر دو جنگ- جنگ سرد و تعارض بر سر توسعه گاز شیل- یک جنگ گرم نیست و بین دو کشور نیست بلکه جنگ بر سر متحدان یکدیگر است. از یکطرف به نظر نمی رسد که روسیه تلاشی برای توقف توسعه گاز شیل در ایالات متحده انجام دهد- هرچند اگر چنین تلاشی هم بکند به نتیجه نخواهد رسید- و از سوی دیگر، ایالات متحده نیز تلاشی برای تاثیرگذاری بر سیاستگذاری انرژی روسیه انجام نمی دهد- هرچند اگر چنین تلاشی بکند به نتیجه نخواهد رسید- اما تعارض بر سر کشورهای واسطه چون آلمان، چک، رومانی، بلغارستان و لهستان است. تعارض بر سر نوع حکومت این کشورها هم نیست بلکه تعارض بر سر حفظ یا حذف وابستگی به عرضه گاز طبیعی روسیه است. از نظر روسیه، هرچه بیشتر این کشورها به گاز روسیه وابسته باشند، میزان مقاومت و یا ایجاد چالش آنها بر سر منافع روسیه کمتر خواهد بود. به طور کلی تامین استقلال انرژی، نیازمند متنوع سازی منابع انرژی بوده و بسیار روشن است که بنا به تعریف امنیت انرژی، ایمن ترین منبع انرژی، توسعه منابع داخلی است. این موضوع، جایی است که گاز شیل وارد بازی می شود. اکثر کشورهای اروپا دارای ذخایر گاز شیل می باشند که ممکن است به مقادیر مختلف قابل بهره برداری تجاری می باشد. ما زمانی که اقدام به حفاری کنیم می توانیم دقیقاً مشخص کنیم که ذخایر قابل استحصال آنها چقدر است.

پ) موضوع دیگر خطوط لوله و LNG می باشد. در این جنگ یرد جدید، هر دو طرف سعی می کند که خطوط لوله خود مستقل از کنترل طرف دیگر باشد. هرچند ترمینال های واردات LNG می توانند به اروپا در واردات گاز طبیعی از کشورهای مثل قطر، ایالات متحده و دیگر کشورها کمک کند، اما از نظر سیاسی بهترین و احتمالاً از نظر اقتصادی ارزانه ترین، راه تامین امنیت انرژی این کشورها، توسعه منابع گاز شیل خود می باشد.

ت) تشابه دیگر بین دو جنگ سرد، شیوه یکسان روسیه/شرکت گازپروم در تحریک معترضین زیست محیطی در مورد توسعه گاز شیل با شیوه شورویو در تشویق و حمایت از جنبش ضد انرژی هسته ای در دهه ۱۹۸۰ می باشد. هرچند این جنبشها مستقیماً از مسکو دستور نمی گیرند بلکه این کشور به طور غیر مستقیم از آنها حمایت مالی می کند.

سوال ۲: بنا به اظهارات سخنگوی شرکت اکسون موبیل ایالات متحده، این شرکت در ماه ژوئن فعالیت های اکتشافی خود برای گاز شیل بهستان را متوقف کرد و اعلام کرد که «رگه های تجاری ذخایر گاز شیل در این کشور پیدا نکرده است» و اینکه «این شرکت فعالیت اکتشافی خود در این کشور را کامل کرده است.» به نظر می رسد که داشتن ذخایر گاز شیل به صورت خودکار معادل سودبخشی و استحصال تجاری آن نیست. اگر ما به این مشکل، نگرانی های عمومی ناشی از عملیات «شگست هیدرولیکی فرایند توسعه گاز شیل» و نیز تفاوت رژیم های معدنی اتحادیه اروپا از ایالات متحده را اضافه کنیم، شما چه آینده ای را برای گازهای غیرمتعارف در اتحادیه اروپا متصور می شوید؟

پاسخ: ما باید اتفاقاتی که در روی زمین را از اتفاقی که در زیر زمین می افتد را از هم متمایز کنیم. در زیرزمین قابلیت تجاری شدن اکتشاف ذخایر گاز شیل بستگی به نوع حفاری - نظیر آنچه که برادران میچل در تکزاس انجام دادند- دارد که امارده بودند تا نهایت ریسک های تجاری و استفاده از تکنولوژیهای پیچیده را برای رسیدن به منافع کلان بپذیرند. از اینرو شرکت های بزرگ فعال در این صنعت چون شرکت دولتی PGNIS در لهستان بهتر است تا از تکنولوژیهای تثبیت شده در ذخایر شناخته شده استفاده کنند تا تکنولوژیهای اکتشافی و ابداعی جدید. در این وضعیت شرکتهای کوچک نیز از قادر خواهند بود از محاسبات زمین شناختی پیچیده که توسط شرکتهای بزرگی چون اکسون موبیل انجام می دهند، اجتناب نمایند. با این وجود، من در بلند مدت بسیار خوش بین هستم که ترکیبی از کارآفرینی و خلاقیت می تواند در اروپا نیز همانند ایالات متحده، در توسعه ذخایر گاز شیل موفق باشد.

مشکلات روی زمین معمولاً وجود داشته و حل آن مشکل تر نیز می باشد. اما لازم است اشاره کنم که با توجه به بیشتر تحقیقات خودم در این زمینه، هر کشور اروپایی و گاهی هر منطقه دارای موضوعات مختلف و رویکردهای متفاوتی در اکتشاف ذخایر گاز شیل می باشد. همانطور که شما اشاره کردید، تنها عامل بازدارنده در همه کشورهای اروپایی، رژیم حقوقی مواد معدنی این اتحادیه است که به طور قابل توجهی مشوق های عوامل محلی را برای مشارکت در توسعه منابع معدنی خودشان کاهش می دهد. اما از سویی دیگر، قوانین خوب این اتحادیه می تواند تضمینی باشد که تکنیک های «شگست هیدرولیکی» - مورد استفاده در استخراج گاز شیل- ایمن بوده و خطرناکتر از اکتشاف و توسعه ذخایر گازی متعارف نیست.

عوامل تاثیرگذار دیگر از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. فرانسه، لهستان و اکراین احتمالاً می توانند با توسعه گاز شیل به یکی از صادرکنندگان انرژی تبدیل شوند که این یک مشوق قوی برای توسعه این صنعت

می باشد. کشورهای بلوک شوروی سابق نیز به نسبت کشورهای اروپای غربی بیشتر به عرضه گاز روسیه وابسته می باشند که این امر سبب می شود که کاهش وابستگی به روسیه در سایه توسعه گاز شیل، انگیزه و مشوق خوبی برای آنها باشد. از این گذشته، جنبشهای سبز نیز در این کشورها به اندازه کشورهای چو آلمان توسعه یافته نیست.

در مجموع از نظر واقع گرایانه، دولتها کیل به عمل در راستای منافع خود دارند. فراتر از مفاهیمی چون امنیت انرژی و استقلال سیاسی، یک منطق ساده اقتصادی در توسعه گاز شیل وجود دارد. در وضعیت اقتصادی کنونی که اروپا درگیر آن است، هرچیزی که بتواند سبب کاهش واردات انرژی و کاهش هزینه های انرژی موثر در قیمت تمام شده کالاهای ساخته شده و ایجاد شغل شود، مورد توجه قرار خواهد گرفت. من فکر می کنم که بروکراسی خدمات عمومی فرانسه از این موضوع آگاه است و تنها مشکل این است که چگونه رضایت مردم را در این موضوع بدست آورد. مهمترین عامل در کسب رضایت مردمی به نظر من نیل به موفقیت محلی در یک کشور است. زمانی که در یک کشور - مثلاً لهستان - استخراج تجاری گاز شیل با موفقیت روبرو شود، دیگر کشورها - مثلاً فرانسه - نیز این موضوع را پیگیری خواهند کرد. البته اروپایی ها از موفقیت شگرف استخراج گاز شیل در ایالات متحده آگاه هستند اما ایالات متحده بسیار دور است تا خود را با آن قیاس نمایند. بنابراین نیاز به توسعه و استخراج موفق گاز شیل در یک کشور اروپایی است تا به صورت سرمشقی برای دیگر کشورها درآید.

سوال ۳: اگر توسعه و استخراج گاز شیل در اروپا همانند ایالات متحده با موفقیت روبرو شود، از منظر ژئوپلیتیکی چه نتایجی بخصوص برای روسیه - به عنوان اصلی ترین تأمین کننده گاز طبیعی اروپا - خواهد داشت؟

پاسخ: به نظر من، توسعه گاز شیل در اروپا بزرگترین فرصت برای روسیه در طول دهه گذشته برای رسیده به دموکراسی با حاکمیت قانون و اقتصاد شکوفا و پایدار است. یک ربع قرن پیش، قیمت پایین انرژی صادراتی گورباچف را مجبور شروع اصلاحاتی شد که نهایتاً منجر به فروپاشی شوروی شد. در حکومت یلتسین در غیاب حکومت قانون، گذار اجتماعی و اقتصادی روسیه متوقف شد. سپس زمانس که قیمت انرژی صادراتی کمتر شد، کشور از بازپرداخت وام های خود واماند و همین امر سبب کنارروی تیم یلتسین و روی کارآمدن گرئه پوتین شد. در این دوره از نظر گذار به دموکراسی، بدترین وضعیت ممکن ایجاد شد و

قیمت انرژی صادراتی بالا رفت که این امر انگیزه حاکمان روسی را برای تجدید ساختار اقتصادی و اجتماعی روسیه از بین برد.

بنابراین در حالیکه دیگر کشورهای بلوک شوروی سابق - نظیر لهستان و استونی - درگیر تجدید ساختار اقتصادی دردناک خود همراه با اجبار به رعایت وضعیت سیاسی دموکراتیک تر بودند، درآمدهای حاصل از فروش انرژی در روسیه سبب شد که حاکمان روسی چنین ضرورتی در رعایت دموکراسی را احساس نکنند. برای اولین بار بعد از فروپاشی شوروی، نخبگان دولت پوتین به پشتیبانی نیروهای امنیتی و درآمدهای بی سابقه رانتی توانستند که برای اکثریت مردم، حداقل های امکانات اقتصادی را از زمان شوروی فراهم کنند اما وضعیت اقتدارگرایی سیاسی را تغییر ندادند. حتی بیشتر پیشرفتهای جامعه مدنی - نظیر استقلال رسانه ها و خصوصی سازی در دوران یلتسین - در دوران «احیاء اقتدار پوتین» از بین رفت. به نظر من حذف درآمدهای رانتی حاصل از فروش گاز طبیعی، روسیه را مجبور به انجام اصلاحات سیاسی خواهد کرد. من فکر نمی کنم که در شرایط فقدان درآمدهای رانتی، روسیه بتواند اقتصاد خود را بدون پیگیری روند دموکراتیزاسیون و حاکمیت قانون توسعه دهد. اما تداوم درآمدهای بدون تلاش و حاصل از فروش انرژی، دولت ضرورتی برای پیگیری اصلاحات سیاسی نخواهد داشت.

از نظر سیاست بین الملل نیز، روسیه بدون قدرت حاصل از موقعیت «بر قدرت انرژی» کمتر قادر خواهد بود تا قدرت خود را در خارج از کشور گسترش دهد. این امر خبر خوبی برای مردم رژیمهای مورد حمایت روسیه - نظیر مردم سوریه - و کشورهایی که هر روزه با ترس دخالت روسیه در امور داخلی شان مواجه هستند - نظیر گرجستان و کشورهای حوزه بالتیک - می باشد.

سوال ۴: در ماههای گذشته، ممنوعیت «شکافت هیدرولیکی» برای حفاری استخراج گاز شیل در اروپا (فرانسه، بلغارستان و احتمالاً جمهوری چک و رومانی) مورد تصویب قرار گرفت. چرا شرکتهای از کسب مجوزهای اجتماعی در توسعه گاز شیل ناموفق می باشند؟ اگر توسعه گازهای نامتعارف برای توسعه چنین نوید بخش است، چرا کسب حمایت های مردمی از آن چنین دشوار است؟ آیا گزارش اخیر اژانس بین المللی انرژی به نام «قوانین طلایی برای عصر طلای گاز» می تواند کمک کننده باشد؟

پاسخ: اقدامات تجاری در اروپا برخلاف خاورمیانه تحت تأثیر جامعه مدنی، رسانه ها و سیاست های محلی می باشد و شرکت گاز پروم نیز سعی می کند از چنین واسطه هایی در تاثیرگذاری بر توسعه گاز شیل در اروپا استفاده کند. چنین رویکرد ضد جهانی شدن و متأثر از گرایشات محیط زیستی در عین ایجاد

محدودیت، بوجود آورنده فرصت هایی است که می تواند افکار عمومی را قانع کند که در صورت توسعه گاز شیل، آسیب های زیست محیطی آن بیشتر از توسعه منابع انرژی متعارف نیست. اینجا در مرکز انرژی دانشگاه آستین، ما در حال تلاش برای آموزش و ارائه آخرین یافته های علمی در خصوص «شکست هیدرولیکی» در توسعه گاز شیل می باشیم. من برخی از این تحقیقات را در بلغارستان، اکراین، جمهوری چک و لهستان ارائه کرده ام و می توانم بیان کنم که مخاطبین من (اعم از سیاستمداران، فعالان جامعه مدنی، سازمانهای مردم نهاد و دانشگاهیان) خیلی مشتاق بودند.

به نظر من، اروپایی ها می توانند از تجارب موفق ایالات متحده در اتخاذ تکنولوژی شکست هیدرولیکی در توسعه گاز شیل الگوبرداری کنند. علاوه بر این آنها می توانند رژیم های قانونی ایمنی برای کاهش ریسکهای همراه استفاده از چنین تکنولوژی را کاهش دهند. به عنوان مثال می توان از شرکتهای فعال در این زمینه خواست ترکیبات شیمیایی آبها را پس از شکست هیدرولیکی اندازه گیری نمایند و یا این آبها را پیش از بازگشت به چرخه آبهای طبیعی در حوضچه های جداگانه قرار داد و استانداردهایی برای پاکسازی آن تدوین نمود.